

فصل هشتم

زن و روزنامه نگاری

در فصل‌های گذشته از چند درگیری دولت با زنان روزنامه‌نگار در ایران پس از انقلاب، و درگذشت خانم زهرا کاظمی در زندان اوین تهران در سال ۱۳۸۲ سخن گفته شد. این برخوردها اگرچه غم‌انگیزند، اما نشانه‌ای نیز هستند از رشد کمی و کیفی، و تاثیرگذاری روزنامه‌نگاری زنان ایران که عمری نزدیک به یک قرن دارد. نخستین نشریه زنان ایران هفته‌نامه دانش بود که در سال ۱۲۸۹ منتشر شد - ۷۳ سال پس از پیدایش نخستین روزنامه فارسی زبان در ایران. کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی، اما تنها ۴ سال پس از انقلاب مشروطه که در جریان آن مردم ایران در بزرگ‌ترین فعالیت سیاسی گسترده و علنی خود تا آن زمان شرکت کردند. ناشر دانش بانوئی چشم پزشک بود به نام دکتر کحال، که در نخستین شماره خود را «کمینه خانم دکتر صیبه مرحوم میرزا محمد حکیم باشی جدید الاسلام» و نشریه را «اخلاقی» و «مفید به حال دختران و نسوان» خواند. دکتر کحال موضوع نشریه را «علم‌خانه‌داری، بچه‌داری، شوهرداری» اعلام کرد و گفت دانش «به کلی از پلتیک و سیاست مملکتی سخن نمی‌راند.» دانش مطالبی درباره بهداشت، نگهداری از کودک، اداره خدمتکاران، گزارش‌هایی درباره مدارس دخترانه که در آن زمان در ایران بسیار تازگی داشتند، و همچنین داستان، چاپ می‌کرد،^۱ و به زنان برای تأمین «نیک بختی و سعادت خانه»،^۲ از جمله چنین راهنمایی می‌کرد:

در ترتیبات راحتی شوهر مواظب باشید. مثلاً غذای او را به وقت حاضر نمائید و در زمستان کرسی یا بخاری او را گرم و حاضر بدارید. اطاق را پاک و تمیز نگاه دارید. کلیه طوری باشد که وقتی مرد وارد خانه می‌شود از هر جهت راحت باشد و طوری اسباب راحت خود را در خانه ببیند که با کمال میل و رغبت وارد خانه بشود، نه این که پس از ورود یکی یکی مطالبه اسباب راحت خود را بنماید، مثلاً بگوید آتش بیاورید، یا نهار بیاورید، یا شام بیاورید. در این صورت از ورود در خانه راضی نخواهد بود.^۳

تیراژ پائین در کشوری پهناور و کم جمعیت (در حدود ۱۰ میلیون نفر)، که ۹۵٪ درصد آنان بیسواد بودند و در روستاهای پراکنده زندگی می‌کردند، در مدتی کم‌تر از یک سال به تعطیل دانش منجر شد. چهل و چند سال بعد، در نیمه دهه ۱۳۳۰، به لطف رشد جمعیت، سواد، و سطح زندگی مردم، مطبوعات از درآمد آگهی قابل توجهی

^۱ دانش، شماره‌های ۱-۶، ۱۴ و ۲۵، در شکوفه به انضمام دانش، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۷، ۲۸۴-۲۸۳.
^۲ دانش، شماره ۱، «دهم رمضان المبارک ۱۳۲۸» (۲۳ شهریور ۱۲۸۹)، ۲-۱.
^۳ همان، ۶.

برخوردار بودند. نخستین نشریه تجارتي زنانه ایران، اطلاعات بانوان، در سال ۱۳۳۵ منتشر شد، و رقیب آن، زن روز، از انتشارات کیهان، در سال ۱۳۴۳، زمانی که جمعیت ایران به ۲۴ میلیون نفر و میزان شهرنشینی به ۴۰ درصد رسیده بود؛ ۳۰ درصد مردم با سواد بودند؛ و زنان یک سوم جمعیت باسواد را تشکیل می‌دادند.^۴

نخستین دوره آموزش روزنامه‌نگاری برای زنان در سال ۱۳۴۵ در "هنرستان دخترانه فرح"، که به نام همسر شاه نامگذاری شده بود، با ۱۲ دانش‌آموز دارای "سیکل اول دبیرستان" برگزار شد. این دوره سه‌ساله بود و علاوه بر آموزش عمومی دبیرستان، درس‌های تخصصی نظری و عملی روزنامه‌نگاری را نیز در بر می‌گرفت. برنامه درسی را مدیر هنرستان، خانم موسوی، تنظیم کرده بود. درس‌های نظری عبارت بودند از: قانون‌ها و مقررات روزنامه نویسی، آشنائی با مطبوعات و سیر تحول آن، سازمان روزنامه، اصول خبرنگاری، وظائف و تکالیف اخلاقی و اجتماعی خبرنگار، آگهی و روابط عمومی، رادیو و تلویزیون و سینما (سازمان و طرز کار)، عکاسی و فیلمبرداری خبری و شیمی عکاسی. حداقل ۵ بعد از ظهر در هفته به درس‌های عملی و کارآموزی می‌گذشت که ماشین نویسی، ماخذیابی، مصاحبه و رپرتاژ، حروف شناسی، ماکت‌سازی، گرافیک، تمرین عکاسی، و کارآموزی در روزنامه‌ها و مجله‌ها را در بر می‌گرفت. از این دوره چنان استقبال شد که هنرستان برنامه چهارساله دیگری با ۱۰۰ ساعت کارآموزی در سال ایجاد کرد.^۵ چنانکه مورخ مطبوعات دوره پهلوی، مسعود برزین، می‌نویسد:

در دو دهه ۴۰ و ۵۰، حضور زنان در کل مطبوعات ایران، و به‌ویژه در تهران، کاملاً محسوس بود. اینان مانند نویسندگان مرد به بسیاری از کارهای مربوط به روزنامه‌نگاری چون نویسندگی، ترجمه، خبرنگاری، مدیریت نشریه، سردبیری، و حتی امور فنی چون صفحه‌آرایی و تنظیم فنی مطالب می‌پرداختند. "انجمن زنان روزنامه‌نگار" در سال ۱۳۵۰ تاسیس یافت و تردیدی نیست که انتشار کتاب زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران، نوشته پری شیخ‌الاسلامی، در سرعت توسعه و شکل آن موثر افتاد. هدف "انجمن زنان روزنامه‌نگار" ایران «حمایت از حقوق بانوان روزنامه‌نگار» بود و دو نوع عضو داشت: دائمی و وابسته. تعداد اعضای آن در دهه ۵۰ به ۳۸ عضو دائمی و ۵۰ عضو وابسته رسید. جنبه‌های تبلیغاتی این انجمن، آرام ولی مطمئن به شمار می‌رفت.^۶

زن، اسلام، سوسیالیسم

در نخستین سال پس از انقلاب، بیش از ۵۰۰ نشریه تازه، از جمله حدود ۳۰ عنوان با ناشر یا سردبیر زن در ایران ظاهر شد که برخی از آن‌ها مانند نهضت زنان مسلمان، زن مسلمان، و پیام هاجر را افراد یا گروه‌های اسلامی

^۴ حسین شهیدی، "Women and Journalism in Iran 1910-1997" ("زن و روزنامه‌نگاری در ایران ۱۳۷۶-۱۲۸۹"، در سارا انصاری و ونسا مارتین (ویراستاران) *Women, Religion and Culture in Iran* (زن، دین و فرهنگ در ایران)، لندن، انجمن سلطنتی آسیا و انتشارات کروزن، ۲۰۰۲، ۷۶-۷۰. ترجمه فارسی در ماهنامه صنعت حمل و نقل، شماره ۱۶۴، آبان ۱۳۷۶، ۳۰-۲۷.

^۵ "نگاهی به آموزش روزنامه‌نگاری در ایران"، رسانه، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۶۹، ۱۱.

^۶ مسعود برزین، "انجمن‌های مطبوعاتی ایران تا سال ۱۳۵۷"، رسانه، سال دوم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۰، ۶۰-۵۹.

منتشر می‌کردند. هفته‌نامه اطلاعات بانوان نیز پویندگان راه زینب نام گرفته بود. اما بیشتر نشریات زنان با نام‌هایی مانند بیداری زن، پیکار زن، رهائی زن، و سپیده سرخ به سازمان‌های چپ‌گرا وابسته بودند. پس از سال‌های انقلاب مشروطه و دهه پرتلاطمی که با کودتای ۱۳۳۲ پایان یافت، این سومین بار بود که حقوق زن در جامعه ایرانی به بحث گذاشته می‌شد، با دامنه‌ای بسیار گسترده‌تر از پیش: از یک سو، زنانی که در اعتراض به «حجاب اجباری» در خیابان‌های تهران راهپیمایی میکردند هدف حمله «چماق به دست»هایی می‌شدند که فریاد «یا روسری، یا توسری» سر می‌دادند. از سوی دیگر، در رادیوی دولتی، زنی به نمایندگی یک گروه سوسیالیست برنامه سیاسی را مطرح می‌کرد که یکی از مواد آن را «آزادی زن در استفاده از بدن خویش» تشکیل می‌داد. در نشریات چپ‌گرا، علاوه بر مطالبی درباره شرایط زندگی زنان ایران، به‌ویژه زنان طبقه کارگر، مقاله‌هایی هم درباره زنان سرشناس جنبش سوسیالیستی غرب مانند روزا لوکزامبورگ، الکساندرا کولونتای و نادژدا کروپسکایا چاپ می‌شد. در مورد کروپسکایا، گاه بحثی درباره رابطه او با همسرش، ولادیمیر ایلیچ لنین، و ماهیت رابطه لنین با بانوی سوسیالیست فرانسوی تبار، اینسا آرمان، نیز در می‌گرفت. گروه‌هایی که ساختار شبه نظامی و زیرزمینی داشتند، نگران از تأثیر جاذبه جنسی بر سلسله مراتب سازمانی، رهنمودهایی برای اداره روابط شخصی اعضا خود صادر کردند. از جمله، "اتحادیه دانشجویان ایرانی در امریکا"، هوادار "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"، ترجمه فارسی جزوه‌ای با عنوان همسرگزینی پرولتری از دیدگاه حزب کمونیست فیلیپین [مارکسیست-لنینیست] را در ایران منتشر کرد. در چند سال بعد، تشدید اختلاف‌های سیاسی داخلی و جنگ با عراق به تعطیل همه نشریات مخالف دولت منجر شد و تنها چند نشریه اسلامی زنان به کار خود ادامه دادند.^۷

پس از جنگ، هم بازاری برای روزنامه‌نگاری عامه‌پسند در زمینه‌های ورزش، سرگرمی، جوانان، خانواده، و زنان به وجود آمد و هم امکان آن که زنان هوادار جمهوری اسلامی، نظام را از دیدگاه جنسیتی به نقد بگیرند.^۸ در سال ۱۳۷۴، از میان ۵۴۴ نشریه در کشور، زنان امتیاز یا سردبیری ۲۷ نشریه، از جمله فصل‌نامه‌های دانشگاهی مربوط به پرستاری و قابلگی و نشریات دانشگاه دخترانه "الزهر" درباره علوم پایه، نقاشی، مجسمه‌سازی، ادبیات، روانشناسی، و سیاست را در اختیار داشتند.^۹ در اسفند ماه همان سال، «کمیت و کیفیت کار زنان در مطبوعات در مقایسه با روزنامه‌نگاران مرد و چگونگی رشد حرفه روزنامه‌نگاری در میان بانوان» در میزگردی با عنوان "زن، مطبوعات، وضع موجود و وضع مطلوب" در دانشگاه الزهرا بررسی شد. در این میزگرد، سردبیر تازه‌های مدیریت، خانم مظفری، سهم ۹/۴ درصدی زنان از مطبوعات کشور را «بسیار نامتعادل» خواند و گفت «زنان ایران باید نقش فعالتری در مطبوعات داشته باشند».^{۱۰} در آبان ۱۳۷۵، "نخستین همایش مطبوعات ویژه

^۷ شهیدی، "زن و روزنامه‌نگاری در ایران ۱۳۷۶-۱۳۸۹"، ۷۹-۷۶. تصویر روی جلد جزوه همسرگزینی پرولتری در تورنمای iranian.com موجود است، <http://www.iranian.com/JahanshahJavid/2006/June/Past/44.html> (آخرین دسترسی ۱۰ مرداد ۱۳۷۸)؛ یادآوری آقای سید فرید قاسمی در مورد تغییر نام اطلاعات بانوان به پویندگان راه زینب.

^۸ شهیدی، همان.

^۹ شناسنامه موضوعی مطبوعات کشور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.

^{۱۰} رسانه، سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴، ۱۲۲.

بانوان"، برای «آشنائی دست اندرکاران نشریات بانوان با نیازهای اجتماعی زنان و آشنائی مردم با نشریات بانوان»، به مدت یک هفته در «فرهنگسرای خاوران» در منطقه کارگری جنوب تهران برگزار شد. به گفته خانم جهادی، «دبیر ستاد برگزاری مراسم هفته زن»، عرضه «۶۰۰ عنوان کتاب به سه زبان خارجی درباره زندگینامه حضرت فاطمه (س)» و «بیش از ۹۰۰ عنوان کتاب از آثار امام (ره)» و «برپائی کارگاه‌های مجله نویسی و روزنامه‌نگاری و میزگرد مسئولان مطبوعات از برنامه‌های جنبی این همایش بود.»^{۱۱}

زنان همچنان بدون امتیاز

با انتخاب محمد خاتمی، نامزد محبوب زنان و جوانان، به ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۷۶، روزنامه‌نگاری زنان به سرعت رو به رشد گذاشت. در پایان دومین دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی در سال ۱۳۸۴، زنان امتیاز، مدیریت یا سردبیری ۱۳۰ نشریه، یا ۱۰/۶ درصد کل نشریات کشور، را در دست داشتند. از این تعداد، ۲۰ عنوان مربوط به زنان و ۱۲ عنوان مربوطه به خانواده نسبتاً به دقت در ادامه این فصل بررسی خواهند شد. موضوع کار نشریات دیگر عبارت بود از ادبیات، فرهنگ، و آموزش و پرورش (۱۴ عنوان)؛ سینما، مد، عکاسی و سایر هنرها (۱۴)؛ مهندسی، معماری، رایانه، و علوم پایه (۱۴)؛ سرگرمی، زندگی جوانان، و جدول (۱۳)؛ علوم پزشکی (۱۳)؛ کودکان و نوجوانان (۷ عنوان)، از جمله *Teenager* تین ایجر (یا "نوجوان")، تنها مجله انگلیسی زبان ایران برای جوانان؛^{۱۲} سیاست و اقتصاد (۷ عنوان)؛ و اطلاعات عمومی (۴ عنوان)، از جمله دانستنیها، یکی از قدیمی‌ترین و پرفروش‌ترین ماهنامه‌های پس از انقلاب که امتیاز، مدیریت و سردبیری آن را خانم فرانیه بهزادی برعهده داشت.^{۱۳} در زمینه‌های دین، گردشگری و محیط زیست، اخبار روز، امور اجتماعی، و طنز و کاریکاتور تعداد کم‌تری زن در رده‌های بالای نشریات کار می‌کردند.^{۱۴}

زنان نه تنها در کلیت مطبوعات ایران نقشی محدود داشتند، که در ادامه این فصل از آن بحث خواهد شد، بلکه از ۲۰ نشریه «تخصصی» زنان نیز، که نام هایشان نشان دهنده ماهیت غیر سیاسی آنان است، امتیاز تنها ۶ نشریه -پوشش، حقوق زن، زنان، فرزانه، مادر، و مادران و دختران- را در دست داشتند. در ۸ نشریه دیگر زنان مدیر و یا سردبیر بودند، اما امتیاز در اختیار سازمان‌هایی بود مانند کیهان، ناشر زن روز؛ "مجمع اسلامی بانوان"، ناشر ایران‌دخت؛ "شورای فرهنگی-اجتماعی زنان"، وابسته به "شورای عالی انقلاب فرهنگی"، ناشر کتاب زنان؛ و "نیروی بسیج سپاه پاسداران"، ناشر زن شرقی. مدیریت و سردبیری ۶ عنوان دیگر از نشریات زنانه را مردان

^{۱۱} رسانه، سال هفتم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۵، ۱۳۱.

^{۱۲} روی جلد شماره آذر ۱۳۸۳ تین ایجر عکسی بود از بازیگر فوتبال انگلیس، مایکل اوون، و مطالب آن از جمله عبارت بود از مصاحبه‌ای با هنرپیشه امریکائی، برد پیت و «بررسی آثار» خواننده امریکائی، جانی کش (ضمیمه رسانه، سال اول، شماره دوازدهم، نیمه اول آذر ۱۳۸۳، ۱۲).

^{۱۳} دانستنیها در سال ۱۳۷۹ به مدت ۳ سال توقیف شد (سیدفرید قاسمی، رویدادهای مطبوعاتی ایران ۱۳۸۲-۱۳۸۵، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳، ۲۴۹ و ۳۵۰). برای اطلاع از جزئیات کار دانستنیها نگاه کنید به مصاحبه خانم فرانیه بهزادی در ضمیمه رسانه، سال اول، شماره هفتم، نیمه دوم شهریور ۱۳۸۳، ۶-۷. پدر خانم بهزادی، علی بهزادی، از روزنامه نگاران برجسته پیش از انقلاب بود.

^{۱۴} شناسنامه موضوعی مطبوعات کشور، اداره کل مطبوعات داخلی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، اردیبهشت ۱۳۸۳.

برعهده داشتند، از جمله بانو «ماهنامه‌ای درباره سلامتی و زیبایی»؛ پیام زن، «ماهنامه تحلیلی-آموزشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم»؛ و مجوبه، ماهنامه انگلیسی "سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی-بنیاد اندیشه"^{۱۵}. بیشتر مطالب نشریات ویژه زنان به بچه‌داری، خانواده، خشونت علیه زنان، جنایت، سلامتی و بهداشت، موقعیت اجتماعی زنان، و سیاست، از جمله چشمداشت زنان از مجلس شورای اسلامی اختصاص داشت و اکثریت نویسندگان را زنان تشکیل می‌دادند. مدیریت خانواده، روابط عاطفی زن و مرد، رابطه دختر و پسر، طلاق، نفقه، مهریه، ارث، حضانت، و خشونت در کم‌تر از ۱۰ درصد فضای این نشریات منعکس می‌شد. بیشتر مطالب درباره مفاهیم بود، نه درباره افراد، اگر چه مصاحبه‌هایی با سیاستمداران، هنرمندان، بازیگران فوتبال، و سایر شخصیت‌های اجتماعی نیز در این نشریات چاپ می‌شد. زندگی زنان ایرانی موضوع ۷۵ درصد مطالب، و سلامت و بهداشت زنان در سایر کشورها مهم‌ترین موضوع گزارش‌های بین‌المللی بود. به مسائل زنان منطقه بسیار کم توجه می‌شد.^{۱۶} مهم‌ترین نشریات زنان عبارت بودند از هفته‌نامه زن روز، یکی از معدود نشریات بازمانده از پیش از انقلاب؛ ماهنامه زنان، که در اوائل دهه ۱۳۷۰ به دنبال اختلافی سیاسی در زن روز پدید آمد، و امتیاز آن در سال ۱۳۸۶ لغو شد؛ و روزنامه زن که در مرداد ۱۳۷۷ منتشر شد و در فروردین ۱۳۷۸ به دستور دادگاه انقلاب توقیف شد.

زن روز

در غنای نفتی ده‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، بسیاری از صفحات زن روز به مطالبی مانند «عشق»، «آرایش»، و «ستارگان سینما» اختصاص داشت. چاپ "پاورقی"های عاشقانه، گاه با موضوع‌های جنسی نه چندان پوشیده، یکی دیگر از تخصص‌های زن روز بود. بر روی جلد غالباً عکس زنی زیبا از میان هنر پیشگان سینما یا چهره‌های سرشناس دیگر دیده می‌شد. در حدود یک سوم صفحات مجله به آگهی اختصاص داشت.^{۱۷} در ۲۳ دی ماه ۱۳۵۷، یک ماه پیش از سرنگونی سلطنت، بر روی جلد زن روز تصویر زنی چادر به سر در حال شعار دادن ظاهر شد. سرمقاله مجله می‌گفت:

سلام! دل‌مان برایت تنگ شده بود... آمده ایم... باز آمده ایم!... نه چندان با چهره و هیاتی نو، در خور جامعه‌ای نو، با اندیشه‌های نوتر. اما دست کم با تلاشی نو، به یاری گروهی نو. بسیاری از مطالب این شماره از مجله نیز که با یک هفته تاخیر منتشر می‌شود یادگار است از جامعه‌ای که به یاری خداوند به دست تاریخش می‌سپاریم [...]. هرگز قصد نداریم برای خودمان "شجره‌نامه توجیهی" دست و پا کنیم. زن روز نشریه‌ای بوده که در چارچوب یک نظام حکومتی و اجتماعی معین که همگان خصوصیات آن را می‌شناسند منتشر می‌شده است، و در این مرحله حساس از تاریخ ملت رنج‌دیده ما، آنچه مهم است عمل کردن در چارچوب جامعه نو و خواست‌های آن است. تصفیه [کذا] حساب‌های گسترده‌تر را آغاز کرده، و هنگامی که به یاری خداوند به پیروزی نهائی برسد حساب

^{۱۵} شناسنامه موضوعی مطبوعات کشور، ۲۳۴-۲۲۵.

^{۱۶} افسر رزازی‌فر، گزارش نشریات زنان و خانواده (شش ماهه دوم سال ۱۳۸۰)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، آبان ۱۳۸۱، ۵۷-۹.

^{۱۷} شهیدی، "زن و روزنامه نگاری در ایران ۱۳۷۶-۱۳۸۹"، ۸۰.

ابعاد کوچکتر را نیز خواهد رسید. همچنان که گفتیم، این شماره مجله به جز چند صفحه آن، یادگاری است از گذشته ای که گرچه خیلی نزدیک است، اما انقلاب ملت حالا دیگر آن را به خیلی دورترها پرتاب کرده است. شماره‌های آینده به یاری گروهی نواز نویسندگان و مترجمان و... لابد یک کمی بهتر خواهد شد.^{۱۸}

مطالب این شماره زن روز را ترکیبی از مطالب همیشگی، آگهی‌ها، عکس‌ها و مدل‌ها و مطالبی درباره "سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات"، زندانیان سیاسی، شکنجه، انقلاب، و شرکت زنان در تظاهرات ضد شاه تشکیل می‌داد. مطالب چند شماره بعد نشانه از نفوذ چپ داشت، اما پس از آن که جمهوری اسلامی در تابستان ۱۳۵۸ گروه کیهان را به تملک خود در آورد، زن روز گفت «سعی خواهد کرد جز راست نگوید و معتقد است که "هر راست نشاید گفت" و افزود که «بدون وابستگی به هیچ گروهی در مسیر انقلاب اسلامی راه خواهد پیمود.» چاپ عکس و طرح زنان با حجاب در زن روز ادامه یافت، اما در سال‌های جنگ از تصویر مانکن‌های مد خبری نبود. سردبیر زن روز پس از جنگ، خانم شهلا شرکت، در محتوا و شکل مجله تغییراتی به وجود آورد، از جمله ضمیمه ای برای خیاطی، با الگو، به آن افزود که پس از رفتن او از مجله در سال ۱۳۷۰، به دنبال استعفای آقای خاتمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سرپرستی کیهان، همچنان همراه زن روز منتشر می‌شد. خانم شرکت ماهنامه‌ای به نام زنان تاسیس کرد و جای او را در زن روز خانم اشرف گرامی‌زادگان گرفت. خانم گرامی‌زادگان هم در سال ۱۳۷۵ از زن روز جدا شد و ماهنامه حقوق زنان را تاسیس کرد. اما با وجود این تغییر مدیریت، و تغییرهای بعدی، هویت زن روز ثابت ماند.^{۱۹}

در آذر ۱۳۸۳، یک شماره متعارف زن روز سرمقاله‌ای داشت درباره یک موضوع دینی، و سپس یک گزارش، در این شماره درباره ریشه‌های «رفتار سخت سرانه». سایر مطالب عبارت بودند از: اخبار زنان ایران و جهان؛ راهنمایی درباره مشکلات زناشویی، شخصی، یا عاطفی؛ سلامتی، بهداشت، و زیبایی؛ بچه داری؛ دستور تهیه غذا؛ خیاطی، با الگوهای از نشریات خارجی که در آن‌ها سر نقاشی شده، با حجاب، جای سر تصویر اصلی را گرفته بود؛ و شعر، داستان کوتاه، و پاورقی. در مقایسه با پیش از انقلاب، حالا خوانندگان زن روز را مردم طبقه متوسط پائین تشکیل می‌دادند و درآمد محدودشان در صفحات معدود آگهی برای کلاس‌های آشپزی و خیاطی، درمانگاه‌های لاغری و زیبایی، و لوازم آرایش و شیرینی‌های کم بها منعکس شده بود.^{۲۰} دلیل اصلی ادامه زندگی زن روز و برادرش، کیهان، بدون درآمد آگهی چشمگیر آن بود که در مالکیت دولت بودند و بخش بزرگی از هزینه‌شان از بودجه عمومی تأمین می‌شد.

زنان

ماهنامه زنان در سرمقاله نخستین شماره خود، بهمن ۱۳۷۰، اعلام کرد که «به اعتقاد ما، کلید حل مشکلات زن در

^{۱۸} "زن روز در جامعه و جامه‌ای نو"، زن روز، شماره ۷۰۶، ۲۳ دی ۱۳۵۷، نقل در صدیقه بیران، نشریات ویژه زنان، تهران، روشنگران، ۱۳۸۱، ۱۴۲-۱۴۱.

^{۱۹} بیران، نشریات ویژه زنان، ۱۴۲-۱۴۱.

^{۲۰} زن روز، شماره ۱۹۷۳، ۱ آذر ۱۳۸۳.

چهار حوزه نهفته است: دین، فرهنگ، قانون، و آموزش، که اگر راه‌ها در این چهار زمینه اصلی هموار شود، می‌توان به ارتقاء زن و اعتلای جامعه امید بست.» سرمقاله گفت ماهنامه زنان خواهد کوشید «با کمک ارباب اندیشه و عشق زمینه برای اعتلای زنان در همه شئون فراهم آید»، و افزود: «ما برای ستیز با مردان نیامده‌ایم گرچه اهل پرهیز هم نیستیم.»^{۲۱} پس از یک دهه انتشار، زنان چند زمینه را بیشتر از هر نشریه زنانه دیگر پوشش داده بود: سیاست، با ۷/۶۱ درصد محتوای ماهنامه؛ آموزش زنان، ۸/۴۶ درصد؛ و مشارکت اجتماعی، ۱۰/۷۷ درصد. ماهنامه زنان همچنین بیشترین تعداد عکس از مشارکت سیاسی زنان، در ایران و افغانستان، را چاپ کرده بود. میزان شرکت زنان در نوشتن مطالب مجله ۸۶ درصد، و بالاتر از تمام نشریات زنانه بود. میزان «مطالب انتقادی» زنان درباره شرایط کشور، ۱۱/۲۸ درصد، و پوشش حقوقی آن، ۷/۴۸ درصد، از بالاترین رده‌های نشریات زنان بود.^{۲۲} به مدت چند سال، نویسنده ستون حقوقی زنان خانم مهرانگیز کار بود که پس از سخنرانی در «کنفرانس برلین»، در سال ۱۳۷۹، دو ماه زندانی شد. در همان سال، هنگامی که خانم کار برای معالجه به آمریکا رفته بود، همسرش، سیامک پورزند، زندانی شد.^{۲۳} خانم کار در آمریکا ماند و به همراه چند تن دیگر، از جمله محمد محسن سازگارا، کوشش برای تغییر قانون اساسی ایران از طریق رفراندوم را آغاز کرد. یک نویسنده دیگر زنان، خانم شیرین عبادی، در سال ۱۳۸۲ جایزه صلح نوبل را به دست آورد.

در شماره پیش از انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۷۶، زنان ۱۰ صفحه را که اولین مطلب آن مصاحبه‌ای با آقای خاتمی بود به مبارزه انتخاباتی اختصاص داد و عکس خندان او را روی جلد چاپ کرد. زنان مصاحبه‌ای نیز با اعظم طالقانی، ناشر قدیمی‌ترین نشریه زنان پس از انقلاب، پیام هاجر، و نخستین زن نامزد ریاست جمهوری در ایران انجام داد. خانم طالقانی، دختر آیت‌الله سید محمود طالقانی، علت اصلی نامزدی خود را کوششی برای توضیح اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی توصیف کرد که بنا بر آن رئیس‌جمهور باید از میان «رجال دین و سیاست» انتخاب شود. اگرچه واژه عربی «رجل» و جمع آن «رجال» معادل واژه‌های فارسی «مرد» و «مردان» اند، خانم طالقانی استدلال می‌کرد که در زبان سیاسی «رجل» و «رجال» باید برابر «شخصیت» و «شخصیت‌ها» در نظر گرفته شوند. خانم طالقانی در این مصاحبه همچنین اشاره کرد که در کشورهای مسلمان دیگر مانند پاکستان و بنگلادش زنان به ریاست دولت رسیده‌اند. آقای خاتمی در مصاحبه خود گفت بسیاری از کارشناسان معتقدند که زنان می‌توانند در ایران به ریاست جمهوری برسند، اما افزود که «شورای محترم نگهبان مفسر رسمی قانون اساسی است.» آقای خاتمی همچنین گفت از نظر او مانعی بر سر راه عضویت زنان در هیأت دولت وجود ندارد، اما افزود که با ایجاد وزارت امور زنان مخالف است، زیرا رشد سازمان‌های غیردولتی زنان می‌تواند بیشتر به بهبود وضعیت زنان ایران کمک کند.^{۲۴} شورای نگهبان بعداً نامزدی خانم طالقانی را رد کرد، بدون اینکه دلیل تصمیم

^{۲۱} شهلا شرکت، «چشمه آگاهی اگر بجوشد»، زنان، سال اول، شماره ۱، نقل در ببران، نشریات ویژه زنان، ۲۰۰-۱۹۵.

^{۲۲} رزازی فر، گزارش نشریات زنان و خانواده، ۲۶-۲۵.

^{۲۳} گزارش بخش فارسی بی‌بی‌سی، ۱ اردیبهشت ۱۳۸۳ (۲۰ آوریل ۲۰۰۴).

^{۲۴} http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2004/04/040420_he-pourzand.shtml (دسترسی ۳۱ مرداد ۱۳۸۷).

^{۲۴} زنان، سال ششم، شماره ۳۴، اردیبهشت ۱۳۷۶.

خود را اعلام کند.^{۲۵}

در میان نشریات زنانه، سهم آگهی‌های ماهنامه زنان پس از بانو، و ماهنامه هنر و عروس، متعلق به "حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی"، در رده سوم قرار داشت.^{۲۶} نوع مطالب و آگهی‌های زنان نشانه‌ای از رفاه خوانندگان ماهنامه بود. زنان در شماره آذر ۱۳۸۳ خود عکسی از هنرپیشه زن امریکائی، مریل استریپ، بر روی جلد و ۷ صفحه مطلب درباره او داشت، و در کنار ۷۱ صفحه مطلب، ۲۶ صفحه آگهی چاپ کرده بود. آگهی‌های تمام رنگ ۲۱ صفحه را پر کرده بودند: ۱۵ صفحه برای لوازم منزل، ۵ صفحه برای عطر، لوازم آرایش و زیبایی، و ۱ صفحه برای رایانه همراه. پنج صفحه سیاه و سفید به آگهی‌های لوازم منزل و کلاس‌های زبان انگلیسی، فرانسه، ایتالیائی، روسی و اسپانیائی اختصاص داشت.^{۲۷}

زن

اندکی پس از انتخاب آقای خاتمی، خانم فائزه هاشمی، دختر رئیس‌جمهور پیشین، امتیاز روزنامه‌ای به نام زن را دریافت کرد و روزنامه در ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ منتشر شد. خانم هاشمی در نخستین شماره زن نوشت:

هدف این نیست که به زن سالاری برسیم، هدف این نیست که مرد و زن را مقابل هم قرار دهیم، بلکه بر آنیم که تعادلی بین این دو ایجاد کنیم با ارزش‌های مساوی [...] روزنامه زن بنا دارد با نگاه زنانه و برای زنان بنویسد و نه فقط در مورد زنان. بنا دارد با بیان تلاش‌های زنان اعتماد به نفس آنان را افزایش داده و باوری بین مردم ایجاد کند [...] بنا دارد شرایطی را بوجود بیاورد تا دختران نوجوان ما از "دختر بودن" خود دچار احساس کمبود و ضعف نگردند [...] نباید فراموش کنیم که همیشه در تاریخ حق گرفتنی بوده، نه دادنی.^{۲۸}

خانم هاشمی بعدها در مصاحبه‌ای «انگیزه اصلی» خود برای انتشار روزنامه زن را «بی‌توجهی مطبوعات و رسانه‌ها به مسائل زنان»، ناشی از «فرهنگ مردسالارانه»، عنوان کرد که در دوره فعالیتش در «مسائل ورزشی

^{۲۵} همین بحث در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴، دوباره مطرح شد. نخست به نقل از سخنگوی شورای نگهبان، غلامحسین الهام، گزارش شد که کلمه "رجال" از نظر شورا «نفی جنسیت نمی‌کند و زنانی که دارای شرایط لازم باشند حق نام‌نویسی برای نامزدی را دارند.» اما بعداً به نقل از آقای الهام گزارش شد که «هیچ موضع جدیدی از سوی شورای نگهبان درباره تغییر تفسیر "رجال" در معنای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری اعلام نشده و این کلمه برای زنان مصداق ندارد.» خبرگزاری زنان ایران، ۴ بهمن ۱۳۸۳، [http://www.iwna.ir/show](http://www.iwna.ir/show?news.aspx?newsid=410) (دسترسی ۳۱ مرداد ۱۳۸۷).

^{۲۶} رزازی فر، گزارش نشریات زنان و خانواده، ۲۸.
^{۲۷} زنان، شماره ۱۱۴، آذر ۱۳۸۳. چند سال پیش از این، کلاس‌های زبان چینی، ژاپنی و عبری در زنان آگهی شده بود- زنان، سال ششم، شماره ۳۴، اردیبهشت ۱۳۷۶. در بهمن ۱۳۸۶ «هیأت نظارت بر مطبوعات» امتیاز ماهنامه زنان را لغو کرد. خبرگزاری‌های داخل ایران دلیل لغو امتیاز را «درج مطالب و اخبار به گونه‌ای که موجب سلب امنیت روانی جامعه می‌شد، به مخاطره انداختن سلامت روحی، فکری و روانی مخاطب و القای این که در جامعه امنیت وجود ندارد، و سیاه‌نمایی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی» اعلام کردند. خبرگزاری فارس گفت: «این ماهنامه به دلیل اخلاق در حقوق عمومی و تضعیف نهادهای نظامی و انقلابی از جمله بسیج و... به دلیل بی‌توجهی به تذکرات کتبی و شفاهی که پیش از این مکرراً به مدیرمسئول نشریه در باب رعایت قانون مطبوعات و سایر مقررات و دستورالعمل‌های مربوطه داده شده است، بنا به رای اعضای هیأت، لغو مجوز شد.» (بخش فارسی بی‌بی‌سی، «امتیاز ماهنامه زنان لغو شد»، ۸ بهمن ۱۳۸۶).

^{۲۸} http://www.bbc.co.uk/persian/arts/story/2008/01/080128_bd-zanan-close.shtml (دسترسی ۱۵ مرداد ۱۳۸۷)

^{۲۸} فائزه هاشمی، "چرا زن؟"، زن، سال اول، شماره ۱۷ مرداد ۱۳۷۷، نقل در وحید پوراستاد، محاکمه زن، تهران، روزنگار، ۲۰۰۱، ۹-۷.

زنان» با آن برخورد کرده بود و گفت «مهم‌ترین مشکل زنان در ایران و جهان مشکل فرهنگی است.» مشاوران خانم هاشمی در دوره تدارک و راه‌اندازی روزنامه و اعضاء ارشد هیأت تحریریه آن همه مرد بودند و زنان «حول و حوش» نیمی از مجموع ۸۰ نفر پرسنل را تشکیل می‌دادند، زیرا روزنامه «در آن زمان با محدودیت نیروهای متخصص روبرو» بود و «در سطوح بالاتر مثل دبیری و سردبیری مشکلات بیشتر می‌شد چون تعداد خانم‌ها خیلی کم بود.»^{۲۹} زن به سرعت نوآوری خود را در میان مطبوعات ایران نشان داد، هم با اندازه کوچک و صفحه‌بندی ساده و برازنده، و هم با گزارش مطالبی متنوع، از جمله حقوق زن. تعدادی از خبرنگاران روزنامه را زنان جوانی تشکیل می‌دادند که گزارش‌های تیزبینانه‌ای تهیه می‌کردند، از جمله درباره حق مرد برای طلاق غیابی همسرش، بدون اطلاع او،^{۳۰} و مجازات سبک قوانین ایران برای مردی که فرزندش را کشته باشد،^{۳۱} موضوعی که مدافع برجسته حقوق کودک، خانم شیرین عبادی، نیز در مصاحبه‌ای مفصل در روزنامه زن درباره آن صحبت کرده بود.^{۳۲} روزنامه زن مصاحبه‌ای نیز با خانم مهرانگیز کار انجام داد که می‌گفت حقوق خانواده در ایران از زمان انقلاب به عقب رفته است.^{۳۳}

خانم هاشمی در مصاحبه‌ای در روزنامه زن گفت «محور روزنامه ما زن است، ولی این به معنای مقابله با مردها نیست، چرا که همه مطالب ما در مورد زن‌ها نیست و حتی در بعضی موارد، در گزارش‌های حقوقی مان به حقوق مردان هم توجه شده است [...] ولی از طرفی می‌دانیم که ظلم به زن در جامعه مان مصادیق بیشتری دارد، از این رو بیشتر به آن پرداخته شده است. در صفحه خبر روز هم که تفکیکی وجود ندارد و مسائل عمومی جامعه مطرح می‌شود.» خانم هاشمی همچنین گفت «بر اساس آمار و نظر سنجی به این موضوع پی برده‌ایم که اکثریت خوانندگان روزنامه مرد هستند و این خود نشان می‌دهد که تقابلی ایجاد نشده است.»^{۳۴}

سردار، شهبانو، زورگیر

در بهمن ۱۳۷۷، هنگامی که روزنامه زن هنوز شش ماهه نشده بود، خانم هاشمی به اتهام افترا به فرمانده حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، سردار محمد رضا نقدی، و اهانت به آن سازمان به دادگاه مطبوعات احضار شد. علت اتهام گزارشی بود که در آن گفته شده بود در شهریور ۱۳۷۷، سردار نقدی در نزدیکی محل حمله به دو عضو دولت آقای خاتمی - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، عطاءالله مهاجرانی، و وزیر کشور، عبدالله نوری - حضور داشته.

^{۲۹} فائزه هاشمی در مصاحبه با صدیقه بران، نشریات ویژه زنان، ۲۳۳-۲۳۰. مشاوران خانم هاشمی را مسعود بهنود، جلال رفیع، عمید نائینی، و سید ابراهیم نبوی تشکیل می‌دادند.

^{۳۰} نسیم بروجردی، «طلاق با آگهی روزنامه»، چاپ مجدد در زن در روزنامه زن، تهران، قله، ۱۳۷۸، ۶۰۹-۶۰۵.

^{۳۱} نازنین سلامت، «قتل فرزند توسط پدر» و ماندانا ناصر، «چه کسی مقصر است، پدر یا قانون!»، چاپ مجدد در زن در روزنامه زن، به ترتیب در ۶۲۳-۶۱۹ و ۶۴۰-۶۳۷.

^{۳۲} «حقوق فرزندان»، مصاحبه با شیرین عبادی، چاپ مجدد در زن در روزنامه زن، ۵۶۹-۵۶۳.

^{۳۳} «طلاق و حقوق زنان»، مصاحبه با مهرانگیز کار، چاپ مجدد در زن در روزنامه زن، ۵۹۵-۵۷۹.

^{۳۴} افسانه صفاریان، «من مخالف فمینیسم به معنای «زن سالاری» هستم» - مصاحبه با فائزه هاشمی، روزنامه زن، چاپ مجدد در زن در روزنامه زن، تهران، قله، ۱۳۷۸، ۲۷۲-۲۶۷.

علت اتهام اهانت، چاپ پیام تلفنی خواننده‌ای بود که پس از آنکه رئیس جمهور خاتمی تحقیق در مورد این پرونده را به حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی واگذار کرد پرسیده بود «مگر پرونده گوسفند را باید به آقا گرگه سپرد؟» خانم هاشمی برای دفاع از خود در برابر اتهام افترا تنها یک شاهد به دادگاه فراخواند که گفت سردار نقدی را در صحنه حمله به دو وزیر دیده بوده. چند شاهد در دفاع از سردار نقدی گفتند که او آنجا نبوده. دادگاه روشن نکرد که توضیح سردار نقدی را پذیرفته یا رد کرده، اما اتهام افترا را نپذیرفت. در مورد اتهام اهانت به حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، دادگاه روزنامه زن را مجرم اعلام کرد و خانم هاشمی به پرداخت جریمه نقدی و دو هفته تعطیل روزنامه زن محکوم شد.^{۳۵}

در فروردین ۱۳۷۸، دادگاه انقلاب روزنامه زن را به دنبال چاپ دو مطلب توقیف کرد. یکی از دو مطلب بخشی از پیام نوروزی شهبانوی پیشین ایران، فرح دیبا، بود که از زمان انقلاب ۱۳۵۷ در تبعید به سر می‌برد، و دیگری کاریکاتوری که در آن مردی در برابر فرد مسلحی که او و همسرش را تهدید کرده بود به همسرش اشاره می‌کرد و می‌گفت: «اینو بکش که دیه اش کمتره.» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توقیف روزنامه زن را غیر قانونی اعلام کرد و گفت رسیدگی به تخلف‌های مطبوعاتی در صلاحیت دادگاه انقلاب نیست. یکی از حقوقدانان برجسته، دکتر ناصر کاتوزیان، علاوه بر اظهار نظری مشابه، در مورد ادامه اعتبار دادگاه انقلاب، بیست سال پس از پیروزی انقلاب، نیز اظهار تردید کرد. منتقدان دیگر گفتند حکم دادگاه انگیزه سیاسی داشته، زیرا پیام شهبانوی پیشین در چند روزنامه دیگر نیز چاپ شده بود، بدون آنکه علیه آن روزنامه‌ها اقدامی صورت بگیرد.^{۳۶} با وجود همه این مخالفت‌ها، روزنامه زن، که تیراژ آن در مدتی نزدیک به شش ماه از ۳۰,۰۰۰ نسخه به ۶۰,۰۰۰ رسیده بود،^{۳۷} تعطیل شد.

نشریات زن و خانواده

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تقسیم بندی رسمی سال ۱۳۸۳ خود ۱۳ نشریه را در رده «نشریات خانواده» قرار داده است. یکی از این ۱۳ عنوان هفته‌نامه زن روز است که در این کتاب در کنار نشریات ویژه زنان قرار داده شد. از ۱۲ عنوان دیگر، برخی دو-هفته‌نامه بودند، برخی ماهنامه، و برخی دو-ماهنامه. بیشتر مطالب این نشریات را زنان تولید می‌کردند، اما تنها ۵ صاحب امتیاز و ۴ سردبیر این نشریات زن بودند.^{۳۸} بخش بزرگی از صفحات این نشریات به روابط اجتماعی زنان، زندگی هنرمندان، سلامتی و بهداشت، روابط والدین با فرزندان، و «جرائم اجتماعی»، از جمله خشونت، اذیت و آزار، دزدی، خودکشی، و اعتیاد اختصاص داشت.^{۳۹} بررسی نشریات زن و خانواده در نیمه دوم ۱۳۸۰ نشان داد که این نشریات به آموزش زنان، مشارکت اجتماعی و سیاسی، استخدام،

^{۳۵} پوراستاد، محاکمه زن، ۷۸-۱۳.

^{۳۶} همان، ۱۰۳-۹۱.

^{۳۷} فائزه هاشمی در مصاحبه با صدیقه بیران، نشریات ویژه زنان، ۲۳۳.

^{۳۸} شناسنامه موضوعی مطبوعات کشور، اداره کل مطبوعات داخلی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، اردیبهشت ۱۳۸۳، ۶۴۷-۶۴۱.

^{۳۹} خبرگزاری زنان ایران، ۱۱ خرداد ۱۳۸۳، <http://www.iwna.ir/shownews.aspx?newsid=1330> (دسترسی ۱ شهریور ۱۳۸۷).

حضانت، ارث، نفقه، و مهریه کمتر توجه داشتند. هشتاد درصد محتوا به ایران مربوط می‌شد، و ۶۰ درصد کل مطالب لحنی مثبت داشت. اینگونه نشریات عکس‌های زیادی از هنرمندان، ورزشکاران، جوانان و دانشجویان، الگوی لباس، و محصولات مربوط به سلامتی و بهداشت چاپ می‌کردند، و به سیاست توجهی نداشتند.^{۴۰} در اثر بالا رفتن سطح زندگی ایرانیان در دهه ۱۳۸۰، تقاضا برای کالاها و خدماتی مانند دارو و درمان، روش‌های کاستن یا افزودن وزن و جراحی بینی و مانند آن که در نشریات خانواده آگهی می‌شوند افزایش یافته بود. ناشر یکی از مجلات زن و خانواده در پاسخ به پرسشی درباره «آگهی‌های مشکوک و حساس» گفت: «مخاطب عمده مجلات خانوادگی زنان هستند. زن و زیبایی نیز دو عضو جدائی ناپذیرند. مباحث پزشکی و جراحی‌ها حتما باید مورد بررسی قرار بگیرند. اما برای باقی محصولات این کار انجام نمی‌گیرد. شما تلویزیون را ببینید. تلویزیون نمی‌تواند برای هر محصولی که تبلیغ می‌کند به تحقیق و جستجو بپردازد. اما می‌شود در تبلیغ این گونه محصولات محدودیت به وجود آورد. در تبلیغات فقط معرفی مد نظر است و تضمینی برای بعد از آن وجود ندارد.»^{۴۱}

حضور بیشتر، اما هنوز تیره

در دی ماه ۱۳۷۳، در سمیناری رسمی با عنوان "زن و رسانه‌ها" گفته شد که «فقط ۳ درصد اخبار یک روزنامه به درج رویدادهای مختلف مربوط به زنان اختصاص داشته است.»^{۴۲} در سال ۱۳۷۹، بررسی ۱۰ روزنامه تهران نشان داد که میزان مطالب مربوط به زنان به طور متوسط به ۱۰ درصد رسیده و در روزنامه‌های ابرار و ایران از ۱۵ درصد تجاوز کرده بود. ایران در آن زمان تنها روزنامه‌ای بود که بخش مخصوص زنان داشت و بعدها آن را به ضمیمه‌ای هفتگی تبدیل کرد. دوسوم مطالب مربوط به زنان در روزنامه‌ها را خبر تشکیل می‌داد. بررسی محتوای مطالب نشان می‌داد که کم‌تر از ۲۰ درصد به مشارکت سیاسی و اجتماعی و اشتغال زنان، و بیش از ۵۰ درصد به امور خانوادگی، هنر و موضوع‌های فرهنگی اختصاص داشت. کار نشریات از برنامه‌ریزی و دقت چندانی برخوردار نبود و بیشتر گزارش‌های خبری از خبرگزاری‌ها دریافت شده بود.^{۴۳} در سال‌های بعد، گزارش زندگی زنان در روزنامه‌های ایران افزایش یافت و بسیاری از روزنامه‌ها صفحه مخصوص زنان بازکردند.^{۴۴} در دهه ۱۳۸۰، وضعیت زنان منطقه، به‌ویژه افغانستان، که پس از سقوط طالبان زنان در مجالس موسسان و قانونگذاری و هیأت دولت

^{۴۰} رزازی فر، گزارش نشریات زنان و خانواده، ۹۲-۵۲.

^{۴۱} هرمز شجاعی مهر، ناشر دو-هفته نامه خانواده سبز، در ضمیمه رسانه، سال اول، شماره دوازدهم، نیمه اول آذر ۱۳۸۳، ۷-۶. طبق "قانون تبلیغات" ایران (ماده ۱۲، بندت)، «در آگهی‌های تبلیغاتی ادعاهای غیر قابل اثبات و مطالب گمراه کننده نباید گنجانده شود.» طبق ماده ۱۰، بند ب، مسئولیت «رسیدگی و تصمیم در مورد شکایاتی که از کانون‌های آگهی و تبلیغاتی و یا مشتریان آنها می‌رسد» با «کمیته سازمان‌های تبلیغات» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است - تورنمای "دفتر تبلیغات و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی"، <http://www.ad.gov.ir/ghavanin/f1.php> (دسترسی ۶ دی ۱۳۸۷).

^{۴۲} مینوبدیعی، "زن و رسانه‌ها"، رسانه، سال پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۳، ۹۴.

^{۴۳} معصومه کیهانی، "نحوه انعکاس مسائل زنان در ۱۰ روزنامه تهران (۱۳۷۹)" رسانه، سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱، ۷۷-۶۴. میزان گزارش در هریک از ۱۰ نشریه از این قرار بود: ایران ۱۵/۷ درصد، ابرار ۱۵/۱ درصد، اطلاعات ۱۱/۱ درصد، انتخاب ۱۰/۳ درصد، همشهری ۹/۷ درصد، رسالت ۹/۱ درصد، کیهان ۹/۱ درصد، آفتاب یزد ۸ درصد، حیات نو ۵/۸ درصد، و همبستگی ۵/۸ درصد.

^{۴۴} شادی صدر، در گزارش مسعود بهنود، "زنان، مهم‌ترین تحول جامعه ایرانی"، بخش فارسی بی‌بی‌سی، ۲۸ تیر ۱۳۸۳، http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2004/07/040718_la (دسترسی ۱ شهریور ۱۳۸۷).

آن عضویت داشتند و برای رسیدن به ریاست جمهوری در انتخابات شرکت کردند،^{۴۵} بیشتر مورد توجه روزنامه‌های ایران قرار گرفت. با این همه، تصویر کلی زن در روزنامه‌های ایران عمدتاً منفی بود. ۲۶/۵ درصد مطالب مربوط به زنان در مرداد ۱۳۸۳ را اخبار و گزارش‌های مربوط به خشونت و اذیت و آزار تشکیل می‌داد که در ۴۴ درصد آن‌ها زنان مقتول، و در ۱۱ درصد قاتل بودند. خبرهای فرهنگی با ۲۲/۶ درصد مطالب در رده دوم، امور اجتماعی با ۱۷/۳ درصد در رده سوم، و سیاست با ۷/۶ درصد در رده چهارم قرار داشتند.^{۴۶}

در ۸ دی ۱۳۸۳ حضور زنان در ۹ روزنامه عمده کشور درخشان نبود. ایران که در سال ۱۳۷۹ بیشترین سهم اخبار زنان را به خود اختصاص داده بود، حالا گزارش‌های خلاصه‌ای درباره محاکمه دو زن به اتهام قتل چاپ کرده بود. یکی از آن دو که گفته بود برای محافظت از خویش در برابر تجاوز مردی را کشته بود، سرانجام از مجازات اعدام رهایی یافت. زن دیگر، که همسر موقت یک بازیگر فوتبال بود به خاطر کشتن همسر دائم او به اعدام محکوم شده بود. تصویر این دوزن از جمله عکس‌های معدود زنان در روزنامه‌های ایران بود. صاحبان عکس‌های دیگر عبارت بودند از: نمایندگان محافظه‌کار مجلس، همسر رئیس جمهور تازه اوکراین، دانشجویان دختر در مراسم ازدواج دسته جمعی، و نماینده اصلاح طلب پیشین مجلس و دبیرکل "انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران"، خانم جمیله کدیور.

در این مقطع زنان روزنامه‌نگار در روزنامه شرق بیش‌تر از هر نشریه دیگری، به جز نشریات زنان، حضور داشتند. در پایان سال ۱۳۸۳، درحالی که زنان کم‌تر از یک چهارم روزنامه‌نگاران ایران را تشکیل می‌دادند،^{۴۷} بیش از یک سوم نویسندگان شرق که نامشان در روزنامه چاپ می‌شد زن بودند.^{۴۸} تنوع زمینه‌های کار زنان نویسنده شرق را می‌توان در یک شماره متعارف روزنامه (۸ دی ۱۳۸۳) مشاهده کرد. برخی از ۹ مطلب از روزنامه‌نگاران زن که با ذکر نام آنان چاپ شده بود عبارت بودند از: مقاله‌ای درباره حضور زنان در احزاب سیاسی ایران، که حضور خانم الهه کولائی در سمت معاون دبیرکل "جبهه مشارکت ایران اسلامی" را نشانه‌ای از «چشم‌انداز تازه‌ای برای حضور جدی زنان» پیش بینی می‌کرد، اما می‌گفت برای دیدن اینکه «آیا حضور زنان از چیدمان و پیرینگی و ابزاری، گامی فراتر خواهد نهاد» باید منتظر ماند؛^{۴۹} گزارشی از اقامت در صومعه‌ای در شهر فلورانس ایتالیا و گفتگو با زنان و مردانی که زندگی خود را وقف خدمت به کلیسا کرده بودند؛^{۵۰} تحلیلی از کاهش قیمت سهام کارخانه‌های سیمان در بازار بورس تهران؛^{۵۱} و گزارشی، اگرچه به صورت ترجمه، در این باره که سال ۲۰۰۴ برای فوتبال اسپانیا سال خوبی نبود.^{۵۲} یکی از بهترین طنزنویسان جوان ایران، خانم رویا صدر، نیز از نویسندگان شرق بود.^{۵۳}

^{۴۵} به عنوان نمونه، نگاه کنید به ایران، ۳۰ آبان ۱۳۸۳، ۱۳، ۲۱ آذر ۱۳۸۳، ۱۲، ۱۲ دی ۱۳۸۳، ۵ و ۱۲.

^{۴۶} فاطمه امیری، "خروج از اندرونی"، ایران، ۱۷ آبان ۱۳۸۳، ۷.

^{۴۷} بر پایه ارقامی که نویسنده در مصاحبه با دبیر "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران"، مسعود هوشمند رضوی دریافت کرد، تهران، ۱۵ دی ۱۳۸۳.

^{۴۸} محاسبه نویسنده بر پایه نام نویسندگان مطالب روزنامه شرق در روزهای ۲۶ دی و ۴، ۱۳، و ۱۵ بهمن ۱۳۸۳.

^{۴۹} مریم جمشیدی، "گامی فراتر از ویرتین - نگاهی به حضور زنان در احزاب"، شرق، ۸ دی ۱۳۸۳، ۶.

^{۵۰} مزگان ایلانلو، «دیر سکوت - گزارش از اقامت در صومعه راهبان»، شرق، ۸ دی ۱۳۸۳، ۱۸.

^{۵۱} خاطره وطنخواه، "طرحی که جامعیت خود را از دست می‌دهد - نگاهی به اجرای طرح جامع سیمان"، شرق، ۸ دی ۱۳۸۳، ۱۰.

^{۵۲} ایران حسینی، "سال نحس اسپانیا"، شرق، ۸ دی ۱۳۸۳، ۲۴.

^{۵۳} خانم صدر یکی از برندگان چهارمین جشنواره مطبوعات ایران بود و پیش از شرق در زن روز و گل آقا کار کرده بود - آثار برگزیده چهارمین جشنواره مطبوعات، تهران، دبیرخانه جشنواره، ۱۳۷۶، ۳۶۵-۳۶۳.

زنان روزنامه‌نگار برخی از بهترین مصاحبه‌ها را با دولتمردان انجام داده‌اند،^{۵۴} و در روزنامه‌های بازرگانی و اقتصاد که در سال‌های اخیر در ایران پدید آمده‌اند نقش چشمگیری داشته‌اند. یک سوم خبرنگاران امور اقتصادی و بازرگانی را که در آذر ۱۳۸۳ به مسابقه‌ای برای انتخاب بهترین خبرنگار در "اولین جشنواره رسانه‌های اقتصادی" اعتراض کردند و مسابقه را ابزاری برای جلب محبت روزنامه‌نگاران نسبت به شرکت‌های برگزارکننده مسابقه خواندند زنان تشکیل می‌دادند.^{۵۵} دو ماه بعد که جشنواره برگزار شد، ۶ تن از ۳۰ برنده جایزه زنان خبرنگار بودند.^{۵۶} بیرون هیأت تحریریه، طراحی و صفحه‌بندی کامپیوتری راه را برای شرکت زنان در عرصه فنی روزنامه‌نگاری گشوده بود. یک زن حقوقدان، خانم شیرین عبادی، کتابی درباره حقوق ادبی و هنری، از جمله قانون مطبوعات ایران، نوشته بود،^{۵۷} و زن حقوقدان دیگری، خانم فریبا توکلی، در سال ۱۳۷۷ در دادگاه مطبوعات مسئولیت دفاع از ناشر روزنامه جامعه، حمیدرضا جلالی پور، را بر عهده گرفته بود.^{۵۸}

یک چهارم کارکنان، یک دهم مدیران

در تنها فهرست مفصل روزنامه‌نگاران ایران پیش از انقلاب، چهره مطبوعات معاصر، که در سال ۱۳۵۱ منتشر شد، زندگی‌نامه در حدود ۸۰۰ نفر ثبت شده که ۵۰ نفر، یا ۶/۲ درصد آنان، زن‌اند.^{۵۹} در پایان ۱۳۸۳، زنان ۲۳ درصد از ۲،۷۰۶ عضو "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" را تشکیل می‌دادند، یعنی آهنگ رشد تعداد زنان روزنامه‌نگار ۴/۸ برابر آهنگ رشد تعداد کل اعضاء انجمن، و ۶/۴ برابر رشد تعداد مردان بود. با توجه به این که در ۱۳۸۳ "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" تعداد کل روزنامه‌نگاران ایران را در حدود ۵،۰۰۰ نفر تخمین می‌زد،^{۶۰} احتمالاً ۱،۵۰۰ زن در سراسر کشور به روزنامه‌نگاری مشغول بودند. در مقایسه با ۸۸ عضو "انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران" پیش از انقلاب، در این فاصله تعداد زنان روزنامه‌نگار کشور ۶ برابر سریع‌تر از جمعیت کشور رشد کرده بود (جدول ۱-۸).

در جشنواره‌های مطبوعات، زنان سهم خود از جوایز را از ۸/۸ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۱۴/۳ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش دادند و در سال ۱۳۷۸، هنگامی که برای نخستین بار زنی به هیأت داوران پیوست، بالاترین سهم خود، ۱۷/۴ درصد، را به دست آوردند.^{۶۱} تعدادی از زنان روزنامه‌نگار نیز جایزه "خبرنگاران برتر زن" را از "انجمن

^{۵۴} به عنوان نمونه، نگاه کنید به مصاحبه روح انگیز محمدی با دکتر مهدی اخلاقی فیض آثار، رئیس دبیرخانه شورای عالی اشتغال و شورای اقتصاد در سازمان مدیریت و برنامه ریزی، "وجود دو میلیون و ۴۰۰ هزار بیکار مشکلی نیست؛ اوضاع بر وفق مراد است!!"، خبرگزاری سینا، ۱۹ مهر ۱۳۸۳، http://www.syna.ir/news/news_101193.html، (دسترسی ۱۹ مهر ۱۳۸۳)، قابل دسترسی در تورنمای روشنگری، ۱۳ مهر ۱۳۸۳، <http://www.roshangari.net/as/ds.cgi?art=20041010124401.html> (دسترسی ۱ شهریور ۱۳۸۷).

^{۵۵} شرق، ۲۰ آبان ۱۳۸۳، ۴. اعتراضنامه را ۴۸ خبرنگار امضاء کرده بودند.

^{۵۶} ضمیمه رسانه، سال اول، شماره ۱۷، نیمه دوم بهمن ۱۳۸۳، ۲.

^{۵۷} شیرین عبادی، حقوق ادبی و هنری، تهران، روشنگران، ۱۳۶۹.

^{۵۸} وحید پوراستاد، محاکمه جامعه، تهران، روزنگار، ۱۳۸۰، ۳. همچنین، نگاه کنید به «فصل پنجم: دومین بهار آزادی» (۷۷-۱۳۷۶).

^{۵۹} غلامحسین صالحیار، چهره مطبوعات معاصر، تهران، پرس آجنت، ۱۹۷۳.

^{۶۰} مصاحبه نویسنده با دبیر "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران"، مسعود هوشمند رضوی، تهران، ۱۵ دی ۱۳۸۳.

^{۶۱} گزارش‌های جشنواره‌ها، از شماره‌های مختلف رسانه و روزنامه نگار.

روزنامه‌نگاران زن ایران" دریافت کرده‌اند.^{۶۲} اما جدول ۲-۸ نشان می‌دهد که تعداد جوایز روزنامه‌نگاران زن نسبت به تعداد کل آنان کم بوده است. از آنجا که زنان روزنامه‌نگار تحصیلاتی بهتر از همکاران مرد خود داشتند،^{۶۳} کم‌درخشیدن آنان در جشنواره‌ها می‌توانست ناشی از کمبود فرصت برای تمرین و کسب تجربه باشد. پژوهشی در سال ۱۳۸۳ نشان داد که ۷۰ درصد روزنامه‌نگاران ایران کم‌تر از ۱۰ سال تجربه کار داشتند، و تجربه زنان کم‌تر از مردان بود.^{۶۴}

بررسی ساختار مالکیت، مدیریت، و سردبیری مطبوعات بنا بر طبقه بندی نشریات توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سهم زنان در مدیریت را نسبت به مشارکت آنان در روزنامه‌نگاری بسیار محدودتر نشان می‌دهد (جدول ۳-۸). در آغاز سال ۱۳۸۳، زنان امتیاز، مدیریت یا سردبیری ۸/۲ درصد نشریات کشور را برعهده داشتند. اگرچه زنان در هر ۲۰ نشریه "تخصصی" زنان در رده‌های بالای مدیریت حضور داشتند، چنانکه پیش از این گفته شد، نسبت به مردان در اقلیت بودند. سهم زنان در مدیریت نشریات هفت گروه - عامه پسند، خانواده، ادبی، جدول و سرگرمی، هنری، جوانان، و کودک و نوجوان - از ۵۰ درصد به ۱۵/۸ درصد تنزل می‌کرد، و در ۱۸ گروه دیگر - از "مهندسی و صنعت" گرفته تا "اقلیت‌های دینی" - از ۷/۹ درصد به ۱/۳ درصد می‌رسید. در نشریات آموزشی وضع بدتر بود و سهم مالکیت زنان ۵/۲ درصد و سهم مدیریت آنان ۲/۶ درصد بود، در حالی که اکثریت عظیم نیروی کار در آموزش و پرورش ایران را زنان تشکیل می‌دادند. تنها یکی از روزنامه‌های سراسری کشور با مالکیت، مدیریت، و سردبیری یک‌زن منتشر می‌شد.^{۶۵} زنان در اداره نشریات مربوط به امور اجتماعی و حقوقی، "ادبیات دفاع مقدس"، و "طنز و کاریکاتور" هیچ نقشی نداشتند.

مدیر "مجمع اسلامی بانوان" و مدیر مسئول ماهنامه ایران‌دخت، خانم فاطمه کربوبی، در اظهار نظر پیرامون نقش محدود زنان در مطبوعات ایران گفت علت اصلی نه کمبود نویسندگان زن، بلکه «مشکلات عمومی کشور» و «بار مالی و اقتصادی» است. خانم کربوبی در پاسخ به این پرسش که چرا زنان از رده خبرنگار یا دبیر سرویس بالاتر نمی‌روند گفت همین مشکل در سراسر کشور وجود دارد و «مدیریت کلان زنان از ۳ درصد تجاوز نمی‌کند و بنا بر این طبیعی است که در روزنامه‌ها هم همین‌طور باشد». خانم کربوبی همچنین گفت «زنان ما بارها و بارها شایستگی خود را ثابت کرده‌اند، اما باز هم آقایان حتی اگر کم‌تجربه باشند به زنان ترجیح داده می‌شوند.»^{۶۶} رئیس "انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران"، خانم کدیور، نیز گفت «زنان روزنامه‌نگار، با وجود تخصص، تجربه، کفایت و کاردانی در قیاس با همکاران مرد خود امکان پیشرفت و ارتقاء ندارند.» خانم کدیور مهم‌ترین هدف "انجمن" را «تلاش در جهت ارتقاء وضعیت زنان روزنامه‌نگار»

^{۶۲} ضمیمه رسانه، سال اول، شماره ۶، نیمه اول شهریور ۱۳۸۳، ۵.

^{۶۳} مهدی محسنیان راد، سخنرانی در نخستین گردهمایی "زن و رسانه‌ها"، نقل در مینو بدیعی، "زن و رسانه‌ها"، رسانه، سال پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۳، ۹۳.

^{۶۴} ضمیمه رسانه، سال اول، شماره ۷، نیمه دوم شهریور، ۹. زنان در سمت‌های بالا و همچنین در میان کاریکاتوریست‌ها در اقلیت بودند، اما در میان صفحه‌آراییان اکثریت داشتند.

^{۶۵} روزنامه عصر رسانه، که خانم ملیحه دهقان صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر آن بود و انتشار آن در بهمن ۱۳۸۳ آغاز شد.

^{۶۶} ضمیمه رسانه، سال اول، شماره اول، ۱۶ خرداد ۱۳۸۳، ۲.

توصیف کرد و گفت این تشکل برای تهیه مسکن، خودرو، بیمه، برگزاری کنسرت موسیقی، کلاس‌های آموزشی، و امکانات ورزشی نیز کوشش کرده است.^{۶۷}

"احساسات زنانه در دنیای مجازی"

تغییر اساسی در وضعیت زنان روزنامه‌نگار ایرانی نیازمند بحث و مشارکتی بسیار گسترده تر از آن است که تاکنون در مطبوعات ایران وجود داشته. برای جبران این کمبود، زنان روزنامه‌نگار ایران در سال‌های اخیر به اینترنت روی آورده‌اند و تورنماهای متعددی از جمله زنان ایران،^{۶۸} بولتن فمینیستی ایران،^{۶۹} و بدجنس،^{۷۰} به راه انداخته‌اند که به علت محدودیتی‌هایی که دولت قرار داده، دسترسی به بعضی از آن‌ها در داخل ایران است. در اردیبهشت ۱۳۸۳، گردانندگان تورنماهای زنان از جمله گروه‌هایی بودند که برای ابراز «اعتراض شدید نسبت به عملکرد زن ستیزانه صدا و سیما» در «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران» گردآمدند.^{۷۱} اما تورنماها تنها نظر زنان منتقد نظام را منعکس نمی‌کنند. یک تورنمای رسمی متعلق به «مرکز اطلاعات و آمار زنان» است، مؤسسه‌ای وابسته به «شورای فرهنگی اجتماعی زن»، که بر پایه مصوبه‌ای از «شورای عالی انقلاب فرهنگی» تاسیس شده، تا با «متمرکز نمودن آمار و اطلاعات مربوط به زنان از انجام کارهای موازی و یا ارائه اطلاعات غلط و متناقض بویژه در مجامع بین‌المللی جلوگیری نموده و آمار و اطلاعات صحیح را در سطح ملی و بین‌المللی ارائه نماید.»^{۷۲} در اواخر سال ۱۳۸۳، گزارش شد که «بانوان عضو شوراهای اسلامی کشور» که در تهران گرد آمده بودند «خبرگزاری زنان ایران» را تاسیس کرده‌اند.^{۷۳}

در مقیاس فردی، زنان ایرانی «از همه گروه‌های سنی، سطوح مختلف تحصیل، و پیشینه‌های اجتماعی و طبقاتی» برای ابراز نظر به «وبلاگ» یا «تورنوشت» روی آورده‌اند و به «حرف‌های ناگفته‌ای رسیده‌اند که شاید تا پیش از این مجالی برای بیان آن نمی‌یافتند و یا آموخته بودند آن‌ها را در نهانی‌ترین بخش وجودشان به انزوا بکشاندند.» زنان «تورنویس» «در مقایسه با یک نسل پیش‌فردگراتر و برون‌گراتر» بودند و «راحت‌تر از مادر و مادر بزرگ‌هایشان درباره خود و زندگی خصوصی و واقعی‌شان حرف» می‌زدند؛ فضای تور را «به مراتب نسبت به رسانه‌های دیگر آزادتر و مبتنی بر برابری جنسی» تلقی می‌کردند؛ معتقد بودند «سانسور تقریباً جایی در آن ندارد و هرکس به تمامی مسئول نوشته‌های خودش است»؛ و در ضمن «بسیاری تحلیل‌ها را که به دلیل پخته نبودن شاید اجازه چاپ در روزنامه نیابد» می‌توان در آن «به راحتی در معرض دید قرار داد».^{۷۴} در نیمه دوم سال ۱۳۸۳، به این

^{۶۷} ضمیمه رسانه، سال اول، شماره پنجم، نیمه دوم مرداد ۱۳۸۳، ۷.

^{۶۸} تورنمای زنان ایران <http://www.womeniniran.com/index.asp> که مدتهاست به روز نشده (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۸۷).

^{۶۹} تورنمای بولتن فمینیستی ایران، <http://www.iftribune.com/> (دسترسی مرداد ۱۳۸۵).

^{۷۰} تورنمای بدجنس، <http://www.badjens.com/index.html> که مدتهاست به روز نشده (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۸۷).

^{۷۱} روزنامه نگار، شماره ۴۲، اردیبهشت ۱۳۸۳، ۵. برای اطلاعات بیشتر در مورد این اعتراض، نگاه کنید به «فصل هشتم: رسانه‌های الکترونیک».

^{۷۲} تورنمای «مرکز اطلاعات و آمار زنان»، <http://www.iranwomen.org/home.aspx> (دسترسی ۱ شهریور ۱۳۸۷).

^{۷۳} ضمیمه رسانه، سال اول، شماره دوازدهم، نیمه اول آذر ۱۳۸۳، ۳.

^{۷۴} فاطمه امیری، «احساسات زنانه در دنیای مجازی»، ایران، ۱۹ دی ۱۳۸۳، ۷.

احساس آزادی و امنیت ضربه‌ای وارد شد و، چنانکه در فصل دهم خواهد آمد، قوه قضائیه تعدادی تورنما را به اتهام «غیراخلاقی یا کفرآمیز بودن یا نشر اکاذیب» توقیف کرد. تعدادی تورنویس، از جمله دو زن، محبوبه عباسقلی زاده و فرشته قاضی، بازداشت و سپس به قید ضمانت آزاد شدند.^{۷۵} با وجود این، بحث درباره جنسیت در فضای نیمه خصوصی تورنوشت‌ها، با درجات گوناگونی از صراحت، ادامه یافت تا فرصتی دیگر برای عیان شدن به دست آورد.

^{۷۵} روزنامه‌نگار، شماره ۴۶، آبان ۱۳۸۳، ۴.